

فراز و فرود روابط حکومت پهلوی و اسرائیل

۶ اسفند ۱۳۹۶ ساعت ۲۱:۵۱

رژیم اسرائیل بعد از اعلام موجودیت خود، بتدریج و در گامهای آغازین به تلاش جهت ارتباط با کشورهای دنیا مبادرت نمود. از آنجا که ماهیت اشغالگرانه این رژیم مورد اعتراض بسیاری از کشورها از جمله کشورهای مسلمان بود، موضوع به رسمیت شناختن و برقراری ارتباط با آن، به موضوعی مهم در سیاست خارجی بسیاری از کشورهای مسلمان تبدیل شد. رژیم پهلوی از آنجا که از ارتباط با اسرائیل به دلیل واکنش مردم مسلمان ایران واهمه داشت، وانمود میکرد با این کشور ارتباطی ندارد؛ اما در عمل به طور پنهانی رابطه گستردهای با آن داشت.

کافه تاریخ- مقاله تاریخی

رژیم اسرائیل بعد از اعلام موجودیت خود، بتدریج و در گامهای آغازین به تلاش جهت ارتباط با کشورهای دنیا مبادرت نمود. از آنجا که ماهیت اشغالگرانه این رژیم مورد اعتراض بسیاری از کشورها از جمله کشورهای مسلمان بود، موضوع به رسمیت شناختن و برقراری ارتباط با آن، به موضوعی مهم در سیاست خارجی بسیاری از کشورهای مسلمان تبدیل شد. رژیم پهلوی از آنجا که از ارتباط با اسرائیل به دلیل واکنش مردم مسلمان ایران واهمه داشت، وانمود میکرد با این کشور ارتباطی ندارد؛ اما در عمل به طور پنهانی رابطه گستردهای با آن داشت. این روابط تحت الشعاع مسائل گوناگون از فراز و نشیبهای خاصی برخوردار میشد. از جمله این مسائل میتوان به جنگ اعراب و اسرائیل اشاره کرد که سیاست شاه در برابر این اتفاقات، ظاهراً باعث تغییر شکل رابطه با رژیم اسرائیل میشد. بر این اساس، بررسی سیاست خارجی رژیم شاه و اسرائیل در دوران جنگهای اعراب و اسرائیل محور اصلی نوشته پیش رو را شکل میدهد.

رژیم اسرائیل از تأسیس تا رابطه با شاه

رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۷ م بطور رسمی اعلام موجودیت نمود. بعد از این اتفاق، دولت ایران اسرائیل را به صورت دو فاکتو به رسمیت شناخت. «روابط ایران با اسرائیل، روابط سیاسی رسمی (دوژوره) نبود؛ بلکه روابط به اصطلاح (دوفاکتو) بود. بدین ترتیب بدون داشتن روابط سیاسی رسمی، دو دولت عملاً روابط دارند، ولی نه از طریق سفیر.»^۱ با این حال رابطه با اسرائیل

به دلیل آنکه با غضب سرزمین مسلمانان فلسطین موجودیت یافته بود؛ مورد موافقت مردم ایران نبود. از این رو گرچه موجودیت آن به طور غیررسمی و توسط دولت ساعد مراغهای به رسمیت شناخته شد؛ اما در زمان مصدق رابطه با این رژیم به طور کامل قطع شد. با این حال این وضعیت چندان به درازا نکشید و با سقوط حکومت مصدق، رابطه با اسرائیل مجدداً به شکل سابق از سر گرفته میشود. این رابطه در زمینههای امنیتی - نظامی و با همکاری این کشور در ایجاد نهاد ساواک آغاز میگردد. بعد از آن روابط دو کشور در سایر زمینهها از جمله مسائل اقتصادی و با محوریت نفت گسترش مییابد. البته در این دوران روابط دو رژیم تحت تأثیر برخی از مسائل از جمله مسائل سیاسی و نیز جنگ اسرائیل و اعراب تحتالشعاع قرار میگیرد.

مسائل سیاسی

مسائل سیاسی بیشتر تحت تأثیر مواضع مردم و به خصوص امام (ره) بود که در دهه ۴۰ رابطه با اسرائیل را محکوم کردند و همین موضوع تا حدودی باعث تغییر روابط رژیم شاه و اسرائیل گردید. چنانچه شاه از ترس افکار عمومی مردم، به طور پنهانی به روابط خود با اسرائیل ادامه داد؛ اما بعد از تبعید امام(ره) به عراق، این روابط مجدداً و به صورت آشکار از سر گرفته میشود. با اینحال رابطه با اسرائیل در جریان جنگ این رژیم با اعراب ظاهراً با تغییراتی مواجه و فراز و فرودهایی مییابد.

جنگ اعراب و اسرائیل: جنگ ۱۹۵۶

در طی دوران حکومت رژیم شاه و اسرائیل چهار جنگ بزرگ میان اسرائیل و اعراب در گرفت که برخی از این جنگها تا حدودی بر روابط دو رژیم تأثیرگذار بود. اولین جنگ، جنگ ۱۹۵۶ بود که بعد از روی کار آمدن جمال عبدالناصر و بستن کانال سوئز و ملی کردن آن اتفاق افتاد. اسرائیل بدون دلایل قانونی این اقدام را محکوم کرد و همین موضوع بهانه اولیه برای جنگ ۱۹۵۶ را فراهم نمود. البته ناصر در ابتدا سیاست نزدیکی به آمریکا را در پی گرفت و همین امر موجبات نزدیکی این کشور با رژیم شاه را فراهم آورد؛ اما بعدها ناصر به دلایلی به رابطه با شوروی متمایل شد. بعد از آغاز حمله اسرائیل به مصر، شاه از ضرباتی که متوجه ناصر شده بود تا حدود زیادی خرسند به نظر میرسید، لیکن نگرانی شدید شاه به علت اختلال در صدور نفت به غرب بود. به عبارتی سیاست ایران در این جنگ دنباله روی از سیاست آمریکا بود. به همین دلیل ایران در کنفرانس تهران همزمان با کاخ سفید، که تجاوز متفقین به مصر را محکوم میکند شاه نیز آن را محکوم مینماید. ۲ با این حال شاه همانطور که گفته شد از حمله اسرائیل به مصر ناراضی نبود؛ زیرا علاوه بر اختلافات ایدئولوژیک، بسته شدن کانال سوئز میتوانست جریان انتقال نفت ایران را با مشکل مواجه کند. از این رو، روابط دو رژیم، در طول جنگ و نیز بعد از پایان جنگ، همچنان برقرار ماند.

جنگ دوم، جنگ ۱۹۶۷

جنگ ۱۹۶۷ که به جنگ شش روزه نیز معروف است، با حمله اسرائیل به سوریه و عراق آغاز میشود و با تصرف بیت المقدس، و بخشهایی از اردن و سوریه پایان مییابد. روابط ایران و اسرائیل در این دوره نه تنها به شکل سابق ادامه داشت بلکه انتقال نفت ایران

به اسرائیل عامل مهمی در پیروزی اسرائیل بر اعراب بود. همانطور که علم نیز اعتراف میکند، «دو سال پیش به هنگام جنگ عرب و اسرائیل، ما تعددا جریان نفت را ادامه دادیم تا ما را در زمره عربها محسوب نکنند.»^۳

جنگ سوم: جنگ ۱۹۷۳

جنگ ۱۹۷۳ نیز به دنبال حمله ناگهانی اعراب به خصوص سوریه، مصر و فلسطین به بخشهایی از اسرائیل آغاز شد. در این دوره رابطه ایران و اسرائیل تحت تأثیر چند موضوع تغییر اساسی کرده بود. اولین موضوع به روی کار آمدن سادات باز میگردد که به تقویت و بهبود روابط ایران و مصر منجر شده بود، و دوم آنکه به دنبال حمله اعراب و پیروزی اولیه آنان بر اسرائیل، مردم مسلمان ایران طی راهپیماییهای مختلف به خیابانها آمده و از فلسطین و اعراب حمایت نمودند. این شرایط، شاه را در وضعیت انفعالی قرار داد و باعث شد تا وی نتواند به طور صریح از اسرائیل حمایت کند. به همین دلیل، شاه سیاست موازنه در مورد مصر و اسرائیل را در پیش گرفت و حتی در ظاهر خود را پشتیبان و طرفدار مسلمان، بویژه مصر نشان داد. ۴ با این حال علیرغم اتخاذ موضع گیری منفعلانه، رژیم شاه به صدور نفت خود به اسرائیل ادامه داد و همین موضوع تأثیر مهمی در روند جنگ به نفع اسرائیل داشت. مخصوصاً از زمانی که اسرائیلیها مجبور شدند حوضه‌های نفتی اشغال شده در صحرای سینا را به مصریها بازگردانند. ۵ اهمیت نفت ایران به حدی بود که میتوان گفت «ماشین جنگی اسرائیل بدون نفت ایران قادر نبود سه جنگ مهم با اعراب را موفقیت‌آمیز پشت سر گذارد.»^۶ از این رو و با استناد به این وضعیت، میتوان به این نتیجه رسید که وقوع جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل نیز، چندان منجر به کمرنگ شدن روابط فیما بین دو رژیم نگشته بود.

نتیجه گیری:

در سخن نهایی پیرامون موضوع سیاست خارجی رژیم شاه و اسرائیل طی دوران جنگ اسرائیل و اعراب میتوان گفت، روابط شاه و اسرائیل در مسیری از رابطه گسترده تا تقویت آن ادامه داشته است و علیرغم اتخاذ برخی مواضع منفعلانه که تحت تأثیر پیروی از آمریکا و یا افکار عمومی بوده است، شاه همچنان در مقاطع حساس با فروش نفت خود به اسرائیل رابطه با این کشور را در سطح مطلوب و گاه حتی قوی نگه داشته است.

فهرست منابع:

۱. سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱، چاپ هفدهم، ص ۲۲۸

۲. عباس قاسمی، «بحران کانال سوئز جنگ ۱۹۵۶ بین اعراب و اسرائیل و سیاست ایران در قبال آن» تاریخ معاصر ایران،

۳. گفتگوهای من با شاه (خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم). ترجمه گروه مترجمان انتشارات طرح نو. تهران، طرح نو، چاپ سوم،

ص ۷۳

۴. هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، نشر پیکان، ص ۴۴۳-۴۴۲

۵. علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷) تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴، چاپ ششم، ص ۴۱۳

۶. ازغندی، همان، ص ۴۱۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۶۶۲/اسرائیل-پهلوی-حکومت-روابط-فروود-فراز>